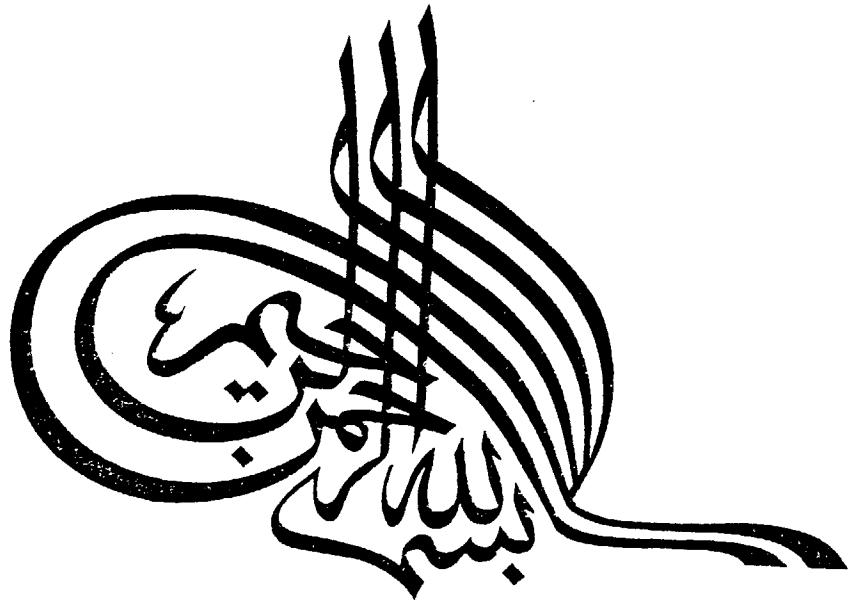


Handwritten text in the top left corner, possibly a page number or date.



Handwritten text at the bottom center, possibly a page number or date.

۱۳۸۱ / ۴ / ۲۰

کتابخانه و اسناد خطی  
مکتب اربعین



**دانشگاه شاهد**

دانشکده هنر

**پایان نامه کارشناسی ارشد نقاشی**

عنوان پایان نامه

صور خیال در نگارگری ایرانی اسلامی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمدرضا ریخته‌گران

پروژه عملی: خلوص از پندار به دیدار

استاد راهنما

جناب آقای مهدی حسینی

دانشجو: معصومه مسعودی

سال تحصیلی ۸۱-۸۰

ع.۹۱۱

ع.۹۱۱

تقدیم به تو

تویی که در میان رنگ‌های خیالم  
همیشه تو را می‌جویم.

یگانه یاور من، در روشنایی و دل‌تنگی  
همسرم، «افشین»

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان         |
|------|---------------|
| الف  | چکیده.....    |
| ۱    | پیشگفتار..... |
| ۲    | مقدمه.....    |

### « فصل اول »

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۷  | "خیال و تخیل"                 |
| ۱۵ | خیال منفصل و خیال متصل.....   |
| ۱۸ | تخیل الهی و تخیل مخلوق.....   |
| ۲۲ | تخیل فعال و تخیل خلاق.....    |
| ۲۵ | خیال و رابطه آن با عاطفه..... |
| ۲۷ | از عالم حس به عالم خیال.....  |

### « فصل دوم »

|    |                                      |
|----|--------------------------------------|
| ۲۸ | "نفس ناطقه و صور خیالیه و قوه واهمه" |
| ۲۹ | نفس ناطقه و صور خیالیه.....          |
| ۳۳ | نفس ناطقه و واهمه.....               |

### « فصل سوم »

|    |             |
|----|-------------|
| ۳۶ | "عالم مثال" |
|----|-------------|

### « فصل چهارم »

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۴۶ | "بزرگان ایرانی و حواس باطنی" |
| ۴۷ | ابن سینا.....                |

| صفحه | عنوان                  |
|------|------------------------|
| ۵۴   | فارابی                 |
| ۵۶   | شیخ شهاب‌الدین سهروردی |
| ۶۹   | ملاصدرا (صدرالمتهین)   |

### « فصل پنجم »

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۷۲ | "تصوف، عرفان و خیال" |
| ۷۳ | تصوف، عرفان          |
| ۸۸ | احمد غزالی و خیال    |

### « فصل ششم »

|     |   |
|-----|---|
| ۹۸  | "صور خیال در نگارگری ایرانی اسلامی"                 |
| ۹۹  | هنر اسلامی و جایگاه مثالین آن نزد ایرانیان مسلمان   |
| ۱۰۳ | تمثیل و تأویل                                       |
| ۱۱۰ | کشف و شهود هنرمند نگارگر                            |
| ۱۱۴ | نگارگری ایرانی و تجسم معنوی از ظواهر دنیا           |
| ۱۲۳ | رسیدن از صورت به معنا                               |
| ۱۲۷ | فضای فرامادی نقاشی ایرانی                           |
| ۱۵۴ | چگونگی صور محسوس و رسیدن به امور نامحسوس در نگارگری |
| ۱۸۳ | فرجام جستار   |
| ۱۹۴ | فهرست آیات و روایات                                 |
| ۱۹۶ | فهرست تصاویر  |
| ۱۹۸ | فهرست اعلام   |
| ۲۱۲ | کتابنامه  |



## دانشکده هنر دانشگاه شاهد

### \* چکیده پایان نامه \*

« این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است »

عنوان پایان نامه : صور خیال در نگارگری ایرانی اسلامی  
استاد راهنما : دکتر محمدرضا ریخته‌گران  
استاد مشاور : حبیب‌الله صادقی  
تهیه کننده : معصومه مسعودی طارم‌سری  
شماره دانشجویی : ۷۷۷۴۹۵۰۰۲  
گروه و رشته تحصیلی : کارشناسی ارشد - نقاشی  
تاریخ اتمام پایان نامه : ۸۰/۶/۲۶

### چکیده

خیال و تخیل به عنوان یکی از حواس باطنی نقش عمده‌ای در آفرینش اثر هنری دارد. آفرینش جهان، تخیل الهی است. و انسان نیز از خالقش پیروی می‌کند، که این را تخیل مخلوق گویند.

حکمای ایرانی، همچون ابن سینا، فارابی، سهروردی و ملاصدرا، هرکدام به گونه‌ای، خیال را تبیین نموده‌اند. فلسفه اشراقی سهروردی در این باره مأخذ مناسب‌تری است. چگونگی ارتباط خیال، عالم مثال و حقیقت با توجه به فلسفه نور شیخ اشراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نگارگر ایرانی با زبان تصویر، حقیقت وجود را کشف می‌کند. نقاشی ایرانی تمثیلی از حقیقت برتر است. چرا که با رنگ، شکل، نور و ... حقیقت الهی را متجلی می‌سازد. هنرمند ایرانی به جایگاه مثالین (برزخی) میان عالم محسوس و نامحسوس قایل است.

عشق نقطه آغازی است برای کشف و شهود و الهام، و به واسطه این کشف و شهود، حقیقت برتر در قالب اثر هنری تمثّل می‌یابد. فضای نقاشی ایرانی، فرامادی و غیرتعیینی است. نگارگر ایرانی از صورت (ظاهر) به باطن (معنا) دست می‌یابد و این همان فرآیند خیال است در نگارگری ایرانی اسلامی.

نظر استاد راهنما: برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است

تاریخ: ۸۰/۶/۲۶

امضاء:

## پیشگفتار

بنا داشتیم سنت شکنی کنیم، تَفألًی کردم به حافظ و او چنین فرمود:

گفتی که حافظ این همه رنگ و خیال چیست      نقش غلط مخوان که همان لوح ساده‌ایم

از استادان ارجمند، ریاست و معاونین دانشکده، مدیر گروه نقاشی و همکارانشان  
سپاسگزاری می‌نمایم.

و نیز از استاد ارجمندم جناب آقای مختار علیزاده که بهره‌ها از ایشان گرفتیم، کمال  
تشکر را ابراز می‌دارم.

## مقدمه

انسان مظهري از خلقت خداوند است و خلقت نیز همراه با ابداع و خلاقیت است، خداوند نمونه کوچکی از ابداع و خلاقیت خود را در وجود ما انسانها نهاده تا بتوانیم معانی و حقایق الهی را دریافت و آن را به منصفه ظهور رسانیم. انسان (هنرمند) این حقایق و معانی الهی را در خیال خود ابداع می‌کند، چرا که در جهان خارج (عالم محسوس) تحقق چنین امری ممکن نمی‌باشد. در عالم محسوس (مادی) همه چیز به واسطه ماده خلق و ابداع می‌گردد. با این توضیح مختصر، فکر می‌کنم که قصد کلی از این پژوهش قدری روشن گردیده است. در هر کار پژوهشی و تحقیقی سوالاتی ذهن را به خود مشغول می‌دارد. که این مورد درباره‌ی بنده نیز صادق بوده است. اساساً در نگارگری یکی از نکات برجسته، دوری از عینیت‌گرایی است و به هیچ عنوان جنبه‌های تعینی و مادی را نمی‌توان در آن جستجو نمود. با توجه به این موارد، این سوالات برایم مطرح شد، که نقاش ایرانی (نگارگر) چگونه به چنین اشکال غیرتعینی و مثالی دست یافته است؟ آیا به مدد قوه خیال است؟ آیا به واسطه‌ی کشف و شهود است؟ در مجموع نگاه هنرمند سنتی ایرانی (نگارگر) به هستی چگونه نگاهی است؟ چرا او در آفرینش اثر هنری همواره به توصیف خدا و جهان خلق شده‌ی او می‌پردازد؟ و در نهایت چگونه ارتباطی بین خیال هنرمند نگارگر، عالم مثال و آفرینش اثر هنری موجود است؟ سوالاتی از این دست دغدغه ذهن گردید و یافتن پاسخی مناسب، دغدغه‌ای دیگر. با مطالعات فراوان در این باره، به تدریج برای سوالات



طرح شده‌ی مذکور، پاسخ‌های روشنی بدست آوردم، که ماحصل آن رساله‌ای است که اینک تنظیم و تدوین شده و تقدیم به دوستداران و خوانندگان فلسفه و حکمت هنر می‌گردد. موضوع انتخاب شده از سوی بنده، موضوعی کاملاً نظری است. برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌ی مزبور از کتابهای متعددی در این زمینه بهره برده تا بتوانم اطلاعات مفید و ضروری را تهیه و تنظیم نمایم.

خیال و تخیل به عنوان یکی از مُدرکات حواس باطنی توسط بزرگان مختلفی تبیین و تعریف گردید. در این باره بنده، آرا و عقاید فلاسفه و حکمای ایرانی اسلامی را مبنا قرار داده‌ام. چونکه فلاسفه غربی در این باره آرای کمتری را ارایه نموده‌اند و نیز خیال و تخیل را به عنوان دو پدیده مستقل و جدا از هم تلقی می‌کنند و این چیزی نیست که در این تحقیق، من به دنبالش هستم. در فصول اولیه به دلیل اینکه مباحث ارایه شده، قابل تفسیر و تحلیل‌های شخصی نیست، آرای بزرگان مختلف نقل گردیده. اما در فصول متأخر خصوصاً فصل ششم (صور خیال در نگارگری) سعی بر این است تا تحلیلی با دیدگاه شخصی ارایه گردد.

فصل اول، تحت عنوان خیال و تخیل آورده شده است. در زیر همین فصل عناوینی چون خیال منفصل و متصل، خیال فعال، تخیل الهی و تخیل مخلوق، تخیل فعال و خلاق، خیال و رابطه‌ی آن با عاطفه، از عالم حس به عالم خیال، گنجانده شده است.

فصل دوم، با عنوان نفس ناطقه آورده شده است، چرا که عده‌ای از بزرگان فلسفه و حکمت ایرانی اسلامی خیال را به عنوان قوه مستقل و قایم به ذات ندانسته، و آن را وابسته به نفس ناطقه می‌دانند. بنابراین لازم آمد تا در فصلی مجزا بدان پرداخته شود. که در همین فصل،

عناوینی چون، نفس ناطقه و صور خیالیه، نفس ناطقه و واهمه، فعل نفس ناطقه از دیدگاه ملاصدرا، مطرح و بدان پرداخته شده است.

فصل سوم، عالم مثال نقطه عطف در صور خیالین است. چرا که هنرمند عاشق به مدد قوه خیالش، در عالم معنوی و روحانی مثل به خدایش متصل می‌شود و به دیدار او نایل می‌گردد. بنابراین در این فصل منحصرأ به عالم مثال پرداختم.

فصل چهارم، عنوانش عبارتست از بزرگان ایرانی و حواس باطنی، در این فصل اقوال بزرگانی چون ابن سینا، فارابی، سهروردی و ملاصدرا نقل گردیده است.

فصل پنجم، تصوف، به عنوان موثرین جریان مذهبی، در نگارگری ایرانی اسلامی محسوب می‌گردد. بنابراین پرداختن به آن و طرح دیدگاههای متصوفین و اشاره به منشأ و اساس آن و نیز آداب و فرایض‌شان، ضروری به نظر آمد. در همین فصل از احمد غزالی به عنوان عارفی بزرگ در تصوف، آرا و اقوال بسیاری درباره صور خیالیه نقل می‌گردد. چرا که آرای ایشان قدری با بزرگان دیگر همچون سهروردی و ملاصدرا متفاوت است.

فصل ششم، در این فصل جنبه‌های مثالین نگارگری و جایگاه آن از نظر اندیشه‌ای بررسی می‌گردد. و سعی بر این است تا آنچه از بزرگان حکمت و فلسفه دریافته‌ام با نگارگری منطبق نمایم. در زیر این فصل نیز عناوینی چون هنر اسلامی و جایگاه مثالین آن نزد ایرانیان مسلمان، تمثیل و تأویل، کشف و شهود، نگارگر ایرانی و تجسم معنوی او از ظواهر دنیا، رسیدن از صورت به معنا، فضای فرامادی نقاشی ایرانی، چگونگی صور محسوس و رسیدن به امور نامحسوس در نگارگری ایرانی اسلامی، آمده است.

در پایان ماحصل این پژوهش تحت عنوان فرجام جستار آورده شده است. امیدوارم تا مطالعه این پژوهش حکمی، فلسفی برای دوستداران فلسفه و حکمت هنر مفید واقع گردد و توانسته باشم قطره‌ای از این دریای ژرف را معرفی کرده باشم.

معصومه مسعودی  
شهریور ماه - ۱۳۸۰ خورشیدی

# « فصل اول »

"خیال و تخیل"

## خیال و تخیل

سهروردی نخستین حکیمی است که بحث عالم خیال را به تفصیل در آثار خود مطرح کرده است و جایگاه عالم خیال یا مثال و صور خیالی و نحوه رسیدن به این عالم را شرح داده است. اما قبل از سهروردی، صوفیه نیز در این باره سخن گفته‌اند، چنان که احمد غزالی از صوفیه بزرگ اوایل قرن ششم (هق) در کتاب سوانح صفحاتی را به بحث درباره‌ی خیال اختصاص داده است. همچنین ابن سینا در کتاب اشارات و تنبیهات به این مبحث وارد شده و درباره چگونگی ورود به این عالم صحبت کرده است.

امروزه الفاظ "خیال" و "خیالی" به چیزهایی اطلاق می‌شود که در عالم خارج ما به ازایی ندارد. به عبارت دیگر، موجود خیالی، موجودی است زاییده وهم و پندار آدمی و به اصطلاح "غیرواقعی" است. این معنی البته در جای خود غلط نیست. ولی منظور از صور خیال و عالم خیال چه در نزد حکما و چه در نزد صوفیه، از جمله احمد غزالی، چیزی زاییده پندار آدمی نیست و نباید آن را غیرواقعی پنداشت. برعکس، عالم خیال از نظر حکما و عرفا عالمی است واقعی و حقیقی، حتی باید گفت که واقعیت و حقیقت، این عالم به مراتب بیش از واقعیت و حقیقت عالمی است که ما آن را عالم محسوس می‌نامیم. عالمی که ما آن را عالم واقع می‌خوانیم، عالمی که به وسیله حواس ظاهری آن را ادراک می‌کنیم. این عالم، عالم جسمانی و مادی است که به آن عالم شهادت یا عالم مُلک می‌گویند. از نظر عرفا و حکمای اسلامی عوالم دیگری نیز وجود دارد که از عالم مادی جداست.

عالم مادی و محسوس در حقیقت یکی از عوالم وجود و نازلترین و پست‌ترین آنهاست. در ورای این عالم، عوالم دیگری هست که حقیقت آنها نه تنها کمتر از عالم مادی و محسوس نیست، بلکه به مراتب بیش از آن است. یکی از این عوالم برتر عالم خیال است و یکی دیگر عالم عقل است. که از آن تحت عنوان نفس ناطقه یاد شده است. عالم خیال یک عالم موهوم و

غیرواقعی نیست. البته اگر لفظ واقعیت را فقط به محسوسات اطلاق کنیم، در آن صورت عالم خیال غیرواقعی خواهد بود. یعنی عالمی است که ورای واقعیت محسوس است. ولی اگر واقعیت به معنای وجود حقیقی معنی شود، در آن صورت عالم خیال کاملاً واقعی است.

عالم خیال دقیقاً کجاست؟ برای پاسخ گفتن به این سوال باید اقسام عوالم را از نظر حکما و عرفا توضیح دهیم. یکی از تقسیمات مهم و اساسی عوالم موجود، تقسیم سه گانه‌ای است که حکما و عرفا، از جمله ابن سینا، احمد غزالی و سهروردی، بدان معتقدند. این عوامل عبارتند از:

**عالم مُلک - جبروت - ملکوت.**

۱- عالم مُلک همان عالمی است که ما به وسیله حواس پنج گانه ظاهری خود ادراک می‌کنیم و از این رو به آن عالم محسوس نیز می‌گویند. نام‌های دیگری همچون عالم اجسام و شهادت نیز به آن اطلاق می‌شود. این عالم، مادی محض است.

۲- نقطه مقابل عالم مُلک، عالمی است که مجرد محض است. یعنی هم از ماده مجرد است و هم از عوارض آن. این عالم مجرد به وسیله عقل ادراک می‌شود و لذا به آن عالم عقل یا عالم معقول می‌گویند. به این عالم، عالم جبروت یا گاهی ملکوت اعلی هم گفته می‌شود.

۳- عالم سوم (ملکوت)، میان دو عالم (محسوس و معقول) قرار دارد. این عالم نه مادی محض است و نه مجرد محض. از سویی شبیه به عالم محسوس و از سویی دیگر شبیه به عالم معقول. آنچه که در این عالم واقع است نه مادی محض است و نه مجرد محض. این عالم میانی اگرچه از ماده مجرد است، اما از نظر حکمای اشراقی و عرفا در آن مقدار و شکل موجود است. به این عالم، عالم نفس و گاهی ملکوت اسفل نیز می‌گویند. عالم مثال یا خیال در همین عالم است و صور خیالی را سالک در این مرتبه ادراک می‌کند.

حال، لازم است تا یک دسته‌بندی از ادراکات انسان، طرح گردد و پس از آن به واژه‌شناسی "خیال" و نظر بزرگان در این باره بپردازیم.

براساس مطالعات به عمل آمده، چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که حکما و فلاسفه ایرانی ادراکات انسان را به دو گروه تقسیم کرده‌اند:

۱- ادراکات حسی — مُدرکات حواس ظاهری

۲- ادراکات عقلی — مُدرکات حواس باطنی

مُدراکات حواس ظاهری عبارتند از: بساویی، چشایی، بویایی، شنوایی و بینایی.

مُدراکات حواس باطنی عبارتند از: حس مشترک، خیال، وهم، ذاکره و متخیله. (پورجوادی،

۱۳۶۵: ص ۳۵۴ تا ۳۵۶).

موضوع مورد بحث ما به لحاظ اهمیت و ماهیت با قسم دوم (حواس باطنی) مرتبط است.

بدینسان، حواس باطنی محور بحث قرار گرفته و بدان پرداخته می‌شود.

شاعر معاصر ایرانی، شفیعی کدکنی، در کتاب صورخیال در شعر فارسی، لفظ خارجی ایماژ را

مترادف با خیال دانسته و اینگونه می‌گوید:

" دو اصطلاح تصویر و خیال را می‌توان جایگزین واژه فرنگی ایماژ نمود. باتوجه به اینکه ایماژ، هم از نظر

لغت و هم از نظر اصطلاح برابر است با "تصویر" یک شی‌خواه تصویر ذهنی باشد. خواه مادی، شایسته است

که آنچه در نقد ادبی جدید و در کتاب‌های بلاغت فرنگی به نام ایماژ خوانده می‌شود (و بعضی از معاصران ما

به عنوان تصویر از آن یاد می‌کنند) با کلمه خیال که در شعر و ادب قدیم عربی و فارسی استعمال شده است،

برابر نهاده شود. زیرا گذشته از اینکه لفظ "ایماژ" از نظر لغوی به معنی تصویر و سایه و صورت خیالی است،

از نظر فلسفی نیز حوزه استعمال آن نزدیک به همین مفهوم اصطلاحی اهل نقد و ادب است.

در نزد حکما خیال بر یکی از حواس باطنه اطلاق می‌شود و آن نیرویی است که صورت‌های نقش بسته در

حس مشترک را به هنگامی که آن صورت‌ها از حواس باطنه غایب‌اند، حفظ می‌کند و جایگاه آن واپسین

قسمت تجویف از تجاویف سه گانه دماغ است." (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ص ۹)

قدما، خیال را به معنی نوعی ایهام به کار می‌برده‌اند. آنان خیال را یکی از صنایع نه چندان